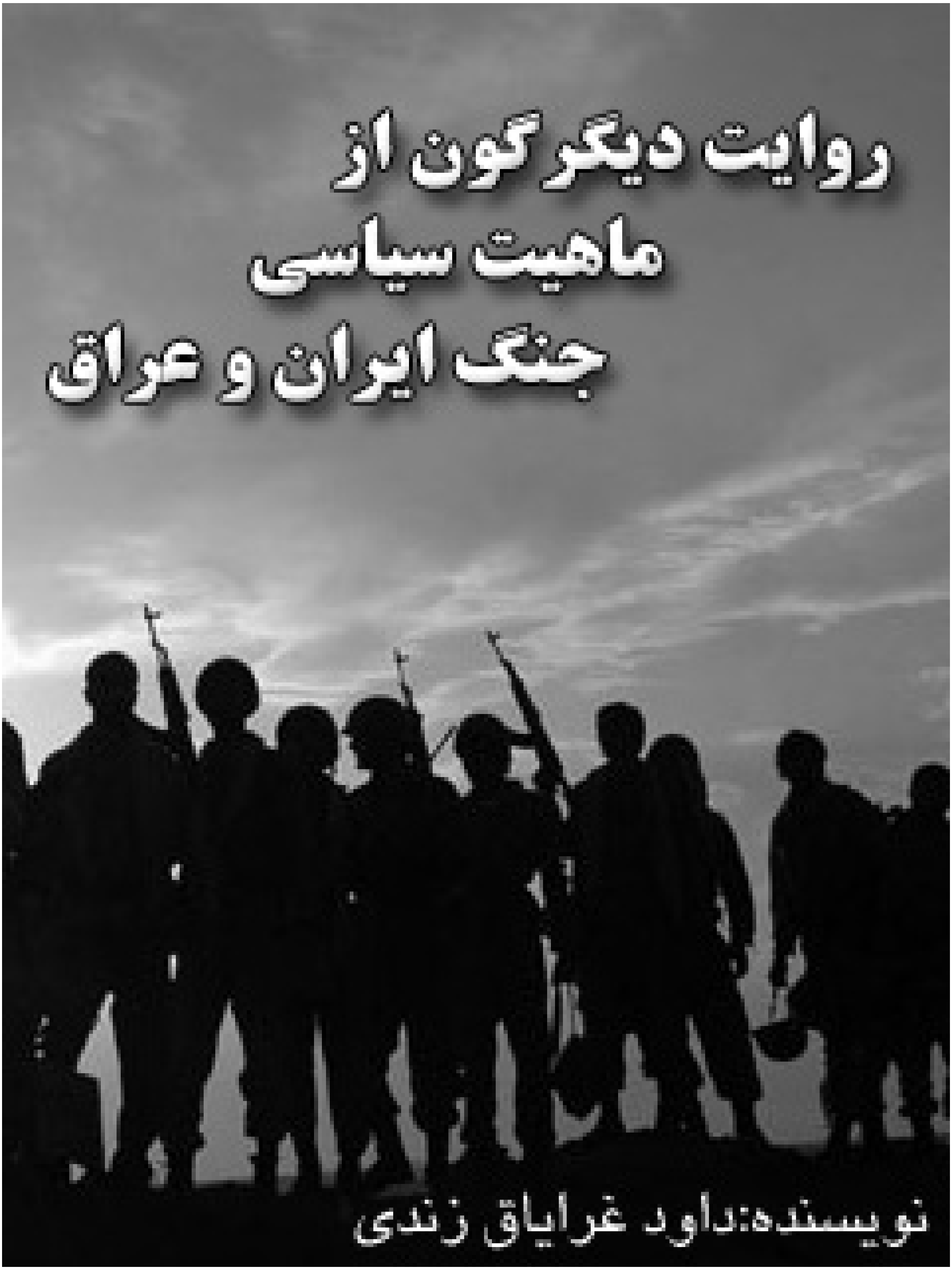

روایت دیگرگون از
ماهیت سیاسی
جنگ ایران و عراق
نویسنده:داود غرایاق زندی

بسم الله الرحمن الرحیم

روایت دیگرگون از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق

نویسنده:

داود غرایاق زندی

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

روایت دیگرگون از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق

مشخصات کتاب

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده:داود غرایاق زندی

ناشر:پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

چکیده

مقاله حاضر در صدد است روایتی دیگر از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق را روشن سازد. روایت‌های موجود عمدتا نگاه راهبردی - سیاسی جنگ را روشن ساخته‌اند. این روایت اگر چه از نگاه راهبردی و واقع گرایانه و یا انتخاب عقلانی بهره می گیرد، اما آن را برای توضیح دهندگی جنگ ایران و عراق کافی نمی‌دانند. بر این اساس، روایت دیگر از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق به رابطه رویارویی ایمان در برابر زور اشاره دارد و تصور بر این است که این روایت اگر چه جدید نیست، اما تاکید و توجه بایسته به آن در مطالعات مربوط به جنگ نشده است. با این روایت، دو نگاه از نزدیک و از دور به جنگ می توان داشت که نگاه نزدیک از نگاه مبتنی بر درون فهمی است و نگاه از دور، نگاه واقع گرایانه است که از طریق امکان تحلیل چهار موضوع محوری سیاسی جنگ فراهم می‌شود و کارکرد حفظ نظام سیاسی از طریق جنگ در دو کشور ایران و عراق را نشان می‌دهد.

مقدمه

تاکنون درباره جنگ ایران و عراق اندیشه ورزی‌های غنی و قوی بسیاری صورت گرفته است.بخش عمده‌ای از این متون به رویکردهای سیاسی و نظامی اختصاص دارد، اما نگاه سیاسی به مساله جنگ بیشتر نگاه راهبردی است. نگاه راهبردی، نگاهی است که به جنگ بیشتر از منظر انتخاب عقلانی می‌نگرد و بخشی از نگاه‌های منتقدانه به جنگ نیز با این منظر صورت می گیرد. اما به نظر می‌رسد در کنار این رویکرد بسیار قوی و روشنگر، روایت سیاسی از جنگ می‌تواند نه صرفا با منظر راهبرد سیاسی، بلکه بر اساس ماهیت سیاسی جنگ، به ویژه ماهیت سیاسی جمهوری اسلامی و نظام بعثی صدام حسین مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا بلافاصله باید پرسید، منظور از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق چیست؟ ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق به دو وجه ویژگی‌های نظامی سیاسی جمهوری اسلامی از یک سو و نگاه سیاسی عراق از سوی دیگر توجه دارد. به عبارت

[صفحه ۴۴]

دیگر، برآیند واقعی رویارویی نظامی ایران و عراق از نظر ماهیت سیاسی، رویارویی ایمان در برابر زور است.
از این منظر جنگ ایران و عراق باعث بقا و تداوم حیات نظام سیاسی دو کشور ایران و عراق شده است. با این فرضیه قصد مقاله حاضر این است تا ضمن نشان دادن کارکردهای حفظ بقای جنگ برای دو نظام سیاسی ایران و عراق، مروری تاریخی و تحلیلی نیز به جریان و وقایع اصلی جنگ داشته باشیم. این کار با توجه به دو ویژگی ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق انجام می‌پذیرد. یکی نگاه نزدیک یا مبتنی بر درون فهمی شرایط جنگ و دیگری نگاه دور متأثر از منظر واقع گرایانه و انتخاب عقلانی، این نگاه دوم

امکانی برای پرداختن به برخی پیامدهای جنگ را فراهم می‌سازد. در نگاه اول دو موضوع، آیا جنگ گریزناپذیر بود؟ و علل تداوم جنگ پس از آزادسازی خرمشهر، محور بحث می‌باشد و در نگاه دوم، دو بحث فتح فاو و پایان جنگ مورد بررسی قرار می گیرد. این چهار موضوع اصلی، محور بررسی ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق را فراهم می‌سازد. [۱] مفروض اصلی مقاله این است که جنگ ایران و عراق بیش از هر چیزی، ماهیت سیاسی دارد. در بخش نظری سعی می‌شود این مفهوم، بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد.

ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ / ۸۸ - ۱۹۸۰) در مطالعات مربوط به جنگ، در زمره جنگ‌های کم شدت قرار می گیرد. این نوع کشمکش، دارای ویژگی‌های چندی است: آمیزه‌ای از ملاحظات سیاسی و نظامی هستند؛ ابزارهای مورد استفاده در این گونه از منازعات عبارتند از: ابزارهای سیاسی، روان شناختی، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی؛ استراتژی‌هایی که در این سطح مورد استفاده قرار می گیرد، غیر مستقیم و غیر رسمی هستند. از حیث بستر اجتماعی؛ این منازعات مبتنی بر تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بی‌ثباتی، بی‌عدالتی و اعمال فشار... می‌باشند. [۲۰] بر این اساس، جنگ ایران و عراق با وجود مدت زمان طولانی حالت جنگی بین دو کشور، شدت حملات بسیار فراگیر و گسترده نبوده [۲۰] و تمام جامعه ایران و عراق کاملا درگیر جنگ نبوده و میزان حملات نظامی در جنگ در مواقعی تنها چند بار در طول سال انجام می‌شد. در این شرایط ماهیت سیاسی جنگ بر رویکردها و رویه‌های جنگ تاثیر بسیاری دارد. در شرایط متعارف، جنگ ابزاری برای رسیدن به یک هدف نظامی نظیر شکست دشمن است. حتی در سطح بالاتر، جنگ ابزار سیاسی برای رسیدن به یک قلمرو خاص، یا الحاق یک جمعیت خاص به جمعیت یک کشور است. در این شرایط شاید بهترین سیاست به گفته سن تزو، تسخیر دولت یا قلمرویی بدون خشونت است. [۲۰] جنگ بر این اساس زمانی رخ می‌دهد که امکان رسیدن به آن هدف سیاسی در شرایط عادی و از طریق دیپلماسی ممکن نباشد و گرفتن این اهداف، ارزش جنگیدن را داشته باشد و در نهایت با توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌ها امکانی برای رسیدن به هدف تصور شود. این امکان برای صدام حسین فراهم بود. آنچه در این بین، اهمیت دارد و با توجه به ماهیت سیاسی قابل توضیح

[صفحه ۴۵]

است، صدام صرفا نگاه راهبردی به جنگ نداشته و اهداف چند لایه‌ای را دنبال می کرد. صدام حسین در کشوری حکومت می کرد که کشوری ساختگی و برآمده از سه پاره تقریبا ناهمخوان قلمرو عثمانی بود. [۲۰] .

رویکردهای حزب بعث عراق و تاکید آن بر ناسیونالیسم عربی از یک سو و دشمن تراشی بیرونی از سوی دیگر، برای رسیدن به یک هویت واحد میان سه گروه اصلی شیعیان، اکراد و سنی‌های عراق بود. این سه گروه در واقع نوعی شکاف قومی و مذهبی را در عراق باقی مانده از فروپاشی عثمانی به ارمغان می‌آورد. رویکرد اقتدارگرایانه حزب بعث در داخل برای جلوگیری از سرباز کردن این شکاف‌های داخلی بود. رویکردهای اقتدارگرایانه صدام حسین گرایش به نوعی واگرایی و یا همکاری را ابتدا در میان کردهای عراقی برای ضمانت با رویکردهای حزب بعث فراهم ساخت. یکی از فشارهای ایران بر عراق برای امضای قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر از طریق اکراد عراقی بود. پس از این که قرار داد امضا شد و حمایت ایران از اکراد و عراق کاهش یافت، این گروه‌ها، فشارهای بیشتری را از سوی صدام تحمل کردند. فروپاشی نظام پهلوی در ایران به واسطه انقلاب اسلامی، فضا را برای تغییر قرارداد ۱۹۷۵ برای عراق فراهم ساخت و در عین حال، جنگیدن کردها علیه ایران، فضای هویتی یکدست‌تری را برای این کشور و جلوگیری از نفوذ ایران مهیا می‌ساخت.

در عین حال، رویکردهای شیعی نظام جمهوری اسلامی به عوض رویکردهای ملی گرایانه پهلوی، جمعیت غالب شیعی عراق را تحت الشعاع قرار می‌داد و فشار بیشتر صدام و غلبه سنیان بر حکومت این کشور، زمینه تحرک شیعیان را در داخل فراهم می‌ساخت. این مساله باعث فشار بیشتر بر خانواده آیت الله صدر و شیعیان جنوب عراق شد. به واقع، انقلاب اسلامی خود به خود بخش عمده‌ای از جمعیت عراق را در شعاع آموزه‌های خود قرار می‌داد و متقابلا تاکید بر ناسیونالیسم عربی، این شیعیان عرب را در مقابل شیعیان عجم و ایران قرار می‌داد و زمینه جدایی خوزستان را از ایران فراهم می‌ساخت.

در این شرایط، سوء قصد به جان طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، در سال ۱۹۸۰ تنها جرقه‌ای برای سرپوش گذاردن بر بحران و شکاف شیعی در عراق و سوق دادن بحران‌ها به فراسوی مرزها بود. در کنار این مساله، ناسیونالیسم عربی، حمایت کشورهای عرب را در مقابل عجم و فارس فراهم می‌ساخت و خاطره تاریخی صفوی گری و عثمان گری را دوباره زنده می کرد.

این بازنمایی به دو عامل مهم خارجی دیگر نیز نیاز داشت. فروپاشی رژیم امنیتی دو ستونی ایران و عربستان، و از بین رفتن این نظام امنیتی نیابتی امریکا در منطقه و حتی مقابله ایران با رویکردهای غالب جهانی و نفوذ آمریکا در داخل، منطقه و حتی جهان و دیگری وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خلاء قدرت ملی دو کشور. این مساله و فرصتی طلایی برای صدام محسوب می‌شد تا وحدت و یکدستی داخلی را حفظ نماید و از شعاع نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در عراق جلوگیری نماید و با تأکید بر وجوه عربی اقوام عرب تبار ایران در خوزستان، نفوذ سیاسی ایران از طریق اکراد در جریان قرار داد ۱۹۷۵ را جبران نماید تا در نهایت، قرارداد ۱۹۷۵ که به تعبیر عراقی‌ها، سرشکستگی صدام در واگذاری بخشی از اروندرود محسوب می‌شد، تغییر یابد. به این ترتیب عراق هم به عنوان کشوری دارای ساحل قابل قبول در خلیج فارس شناخته می‌شد و می‌توانست از این طریق به عنوان پیشقراول دولت‌های عربی، در مقابل ایران در این منطقه حیاتی و استراتژیک، به ویژه سه جزیره مورد اختلاف ایران و امارات، نقش آفرینی نماید. در کنار تمام این عوامل، رسیدن به نقش ژاندارمی منطقه توسط کشوری عربی برای جلوگیری از نفوذ کشورهای غیر عرب در مسایل اعراب و دستیابی به نقش رهبری عربی به جای ناصر در جهان عرب، از جمله اهداف سیاسی بود که جنگ تحمیلی علیه ایران را بسیار جذاب و قابل قبول می‌ساخت. این اقدام مورد توافق کشورهای عرب محافظه کار منطقه و قدرت‌های جهانی نیز بود. از

[صفحه ۴۶]

نظر دو ابر قدرت وقت - شوروی و آمریکا - ایران به دنبال راه سومی جدا از آن دو اردوگاه بود و جنگ فرصت مناسبی بود تا ایران در شرایط فشار نظامی، سیاسی و اقتصادی به یکی از این دو اردوگاه دست یاری دراز نماید. از این منظر، جنگ نه تنها به بقای نظام بعثی در عراق کمک می کرد، بلکه اهداف و آرمان‌های منطقه‌ای این کشور را نیز جامعه عمل می‌پوشاند. در این راستا، جنگ به تعبیر کلاوزویتسی مقوله‌ای جدا از سیاست نیست، چرا که نظریه جنگ، تحقیق در مورد اهداف دولت‌ها است. عقلانیت جنگ، چیزی نیست جز این که جنگ ابزاری است عقلانی در دست سیاستمداران [۲۰].

اما ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق از منظر دیگری نیز قابل بررسی است. که از این منظر دو تفاوت عمده با رویکرد عراق داشته است. ابتدا این که ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ماهیت سیاسی جنگ و نحوه اداره آن بسیار مؤثر بوده و دیگر این که جمهوری اسلامی جنگ را انتخاب نکرد بلکه جنگ به او تحمیل شد. در این مفهوم سیاست جنگ چیزی فراتر از جنگ سیاسی است. به بیان دیگر، جنگ نه ابزاری سیاسی، بلکه مجموعه‌ای از سیاست است. [۲۰] از این منظر جمهوری اسلامی نظامی است که به واسطه انقلاب اسلامی ایده‌هایی را دنبال می کند که تنها در حوزه تنگ ملی گرایانه نمی گنجد و بر همین اساس نوع سیاستی که دنبال می کند، ضرورتا در چهارچوب ملی قرار نمی گیرد. انقلاب اسلامی ایران، اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی‌های

اروپایی نبود و بدون حمایت قدرت‌های بزرگ به حیات سیاسی خویش ادامه داده است. جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای مذهبی بود و توسط روحانیون رهبری می‌شد. مردم در روند انقلاب احساس همبستگی بیشتری در مقایسه با سایر انقلاب‌ها از خود نمایان ساختند. حزب حاکم یا پیشتازی که به هدایت یا رهبری توده‌ها بپردازد، وجود نداشت و در نتیجه برای اولین بار در تاریخ انقلاب مدرن، رهبری انقلاب توانست به اقتدار و حاکمیت کامل و همه جانبه‌ای دست یابد [۲۰].

انقلاب اسلامی انقلابی بومی بوده و نه تنها وام‌دار هیچ اندیشه و قدرتی نبود، بلکه شورشی علیه نظم موجود ملی، منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شد. در سطح ملی، انقلاب باعث واژگونی نظام پهلوی شد و در سطح منطقه‌ای، به شکل نفی مرزهای نظام مستقر و ستفالی و ژاندارمی ایران و همچنین پیگیری مفهوم امت اسلامی و تحرکات شیعی در کشورهای عمدتا با حاکمیت سنی پیرامون خود و در سطح نظام جهانی، در چالش با ظلم و جور قدرت‌های جهانی قرار گرفت.

این نیروی بر هم زننده انقلاب اسلامی نمی‌توانست بی‌پاسخ بماند. بحران‌های داخلی جناحی و حزبی ایران در کنار اقدامات هراس پروری (تروریستی) علیه نظام و

[صفحه ۴۷]

تحریک گروه‌های اقلیت ناراضی قوی در مرزها، تحریک عشایر، جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی، کودتای نوژه، ترور شخصیت‌های نظام، محاصره اقتصادی و در نهایت جنگ ایران و عراق از جمله اقداماتی بودند که از سوی گروه‌هایی که در صدد نفی انقلاب ایران بودند، مورد توجه قرار گرفت. [۲۰] به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت، این جنگ علیه انقلاب اسلامی سازماندهی شد [۲۰].

این وضعیت به گونه‌ای بود که شرایط حاکم بر داخل ایران، بسیار هرج و مرج گونه و پراکنده به نظر می‌رسید و نوعی خلاء قدرت فائقه در درون کشور احساس می‌شد. طارق عزیز - وزیر خارجه زمان صدام حسین - چهار ماه قبل از آغاز تهاجم عراق به ایران در مقاله‌ای در روزنامه کویتی الوطن، وضعیت حاکم بر ایران را چنین ترسیم می‌کرد: «تشتت نیروهای نظامی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام به یکدیگر اتهاماتی نسبت می‌دهند؛ وجود هرج و مرج و ناامنی؛ توقف فعالیت کارخانه‌های تولیدی؛ تزلزل اقتصادی؛ افزایش بیکاری و نبود بسیاری از مواد غذایی در بازار، آشفتگی روابط ایران با کشورهای منطقه را موجب شده است.» [۲۰].

این شرایط در عین حال که خطر حمله نظامی عراق علیه ایران را افزایش می‌داد، نشانگر عدم توانمندی داخلی ایران برای پیشبرد یک جنگ در سطح ملی بود. وضعیت ارتش ایران قبل از جنگ از زبان یکی از فرماندهان ارتشی، برآیند خوبی از این وضعیت را نشان می‌دهد؛ «شعار انحلال ارتش، ارتش بی‌طبقه توحیدی، خدمت یک ساله سربازی، انتقال پرسنل متخصص و فنی به خارج از یگان‌های رزمی، تضعیف مدیریت و فرماندهی، لغو قراردادهای خارجی و طرح فروش اقلام عمده تجهیزات ارتش، از هم پاشیدگی سیستم اطلاعاتی ارتش و فراخواندن وابسته‌های نظامی، تضعیف آموزش و تعمیر و نگهداری، تلفات و ضایعاتی که در ماموریت‌های ارتش در برقراری امنیت در کردستان و مناطق ضد انقلاب اعم از نیروی انسانی و تجهیزات پیش آمد و این نکته مهم که از بهمن ماه ۱۳۵۷ تا مهر، ۱۳۵۹ هیچ نوع تجهیزات و تسلیحاتی حتی یک دستگاه خودرو برای ارتش خریداری نشد، تمامی این موارد ارتش را تضعیف کرد.» [۲۰] در این موقعیت، حمله عراق به ایران در ۱۰۰۰ کیلومتر از مرزهای مشترک، حمله تنها یک کشور همسایه علیه کشور دیگر در یک منطقه از جهان نبود، بلکه تقابل اراده منطقه‌ای و جهانی در قبال اندیشه‌های تجدید نظر طلبانه جمهوری اسلامی بود. در این شرایط، تصمیم به جنگیدن برای نظام جمهوری اسلامی تصمیمی در عین حال خطرناک بود.

در این شرایط آشفته، وارد شدن به جنگ، عقلانی به نظر نمی‌رسید. اما جنگ باعث شد تا شور انقلابی و مردمی که به واسطه انقلاب شعله‌ور شده بود، دوباره پدیدار گردد: چهارچوب حاکم بر جنگ، چهارچوب انقلاب بود و جنگ یعنی انقلاب...، رزمندگان در میدان نبرد، آتش شلیک سلاح‌های خود را، آتش

[صفحه ۴۸]

انقلاب و قهر انقلابی می‌دانستند. [۲۰] در عین حال، به تعبیر امام خمینی (ره) اصلی بودن جنگ باعث کاهش اختلافات و مشکلات داخلی و شکل‌گیری یک دستی و انسجام در چهارچوب ملی در قالب نظام جمهوری اسلامی شد. [۲۰] بعد از تمام این مسایل که جنگ در شکل‌گیری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی مؤثر بود، عدم پاسخگویی به حمله عراق نه تنها مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را در ساخت ملی کاهش می‌داد، در عین حال به معنی شکستن اراده انقلابی ملت ایران محسوب می‌شد. به عبارت دیگر، ماهیت سیاسی جنگ دو چیز است: نخست، وسیله استفاده از قدرت و سپس غایتی که انتظارش را می‌کشیم؛ و دوم، تحمیل اراده بر دیگری. [۲۰] بر این اساس، تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی نه تنها پاسخی به اراده جنگی عراق بود، بلکه عراق نماینده نظام منطقه‌ای و جهانی بود که به دلیل احتمال درگیری دو ابر قدرت شوروی و آمریکا، امکان مداخله مستقیم را نداشتند تا در مقابل نظام تجدید نظر طلب جدید، بازدارندگی ایجاد نمایند. به واقع، جنگ علاوه بر تثبیت [نظام] جمهوری اسلامی، نوعی از بازدارندگی را در روابط با قدرت‌های برتر به وجود آورد. [۲۰].

بر این اساس، ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق از دو منظر قابل بررسی است: رفتار سیاسی جنگ طلبانه عراق مبتنی بر باورهای مادی گرایانه متعارف در روابط بین‌الملل که اهداف و منافع مشخصی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی به واسطه ماهیت خیرخواهانه و اصلاح طلبانه انقلابی‌اش درصدد دراندازی طرحی نو بود. تحقق هر دو رویکرد سیاسی، لاجرم به بی‌ثباتی کشور مقابل می‌انجامید. از آنجا که جنس اختلاف ایران و عراق پس از انقلاب اسلامی متفاوت بود، امکان مذاکره و یافتن راه‌حل مشترک ممکن نبود. اگر عراق می‌خواست در مورد مباحثی با ایران از در مذاکره وارد گردد، موضوعات مشترکی برای بحث وجود نداشت. در عین حال، عدم تحکیم ساخت وستفالی ملت - دولت در شیخ نشین‌های خلیج فارس و عراق باعث شد تا رویکردهای ایران، به ثبات زدایی از منطقه طلقی شود و در شرایطی که منطق مشترکی برای گفت‌وگو نیست، زور شاید بهترین گزینه باشد.

در مقابل هر گونه تقلیل و تخفیف گرایی در مواضع، سویه‌ها و اقدامات انقلابی، بستر ساز تهدیدی به نام عبور از خود و براندازی خود شده و نظام مستقر را در معرض بحران مشروعیت و مقبولیت و کارآمدی قرار می‌دهد. افزون بر این، اتخاذ چنین مواضعی از یک سو امکان تولید و بازتولید فناوری‌های انقلابی - ایدئولوژیک قدرت (میکروفیزیک قدرت) را در اختیار نظام‌های انقلابی قرار می‌دهد و از جانب دیگر این امکان را فراهم می‌آورد که این نظام‌ها به گونه‌ای به امر صدور بحران نیز بپردازند و نارسایی‌ها و ملاحظات بعد از انقلاب را از سپهر اندیشه و احساس مردم خود دور کنند. از این منظر، گفتمان بسط محور / صدور محور، نه تنها ممکن‌ترین، بلکه عقلانی‌ترین گزینه بازیگران انقلابی می‌نماید و در سیمای یک فرصت بزرگ و نه تنها به مثابه یک استراتژی «تهاجمی» بلکه به عنوان یک استراتژی «تدافعی» قابلیت تحلیل و تبیین می‌یابد. [۲۰] به عبارت دیگر، جنگ ایران و عراق، رویارویی بین ایمان و زور بوده است. در جهانی که ایمان و فضای معنویت به تعبیر فوکو جایی ندارد. [۲۰] زور با تمام قواره در قبال کورسوی در حال رشد انقلاب ایران، واکنش نشان داد. در این شرایط، ایمان که با زور مخالف است، مجبور شد به سوی گزینش زور گام بردارد، زیرا در اینجا صحبت از بقای ایمان مطرح بود. به عبارت دیگر، مساله این است بودن یا نبودن. [۲۰] دیوید اوئن - وزیر خارجه پیشین انگلیس - در مقاله‌ای در روزنامه گاردین نوشت؛ ما امید داریم که شور و التهاب انقلابی ایران در طول یک

جنگ منطقه‌ای به مصرف رسیده و سرانجام فروکش کند. [۲۰] در اینجا هدف نظام تمام قواره مبتنی بر زور، این بود که این

[صفحه ۴۹]

وضعیت هیجانی انقلابی در برخورد با صخره‌های واقعیت‌های تلخ پیروزی به سر عقل می‌آید و تنها زمانی می‌توان این نظام را به سر عقل مادی از پیش عافیت طلب آورد که بقای آن تهدید شود و نظام جمهوری اسلامی با تلاش برای حفظ بقای خود، شرایط وستفالی کنونی را خواهد پذیرفت و به حاکمیت و امور داخلی کشورهای دیگر احترام خواهد گذارد.

نگاه از نزدیک به جنگ

منظور از نگاه نزدیک به جنگ، نگاهی نزدیک و مبتنی بر درون فهمی است. این نگاه امکان مناسب‌تری از فضا و شرایط فکری حاکم بر زمان وقوع جنگ دارد. به عبارت دیگر، زمانی برداشت ما از یک واقعه یا پدیده کامل خواهد شد که از یک سو، نگاه درون فهمی به یک پدیده اجتماعی داشته باشیم و از سوی دیگر، نگاه دوربینانه به یک واقعه تاریخی یا همان نگاه مبتنی بر فاصله انتقادی را داشته باشیم. در این جا فرض بر این است که دوره زمانی از شروع جنگ تا آزادسازی خرمشهر با نگاه نزدیک به جنگ قابل فهم‌تر و قابل قبول‌تر است و نگاه دور به جنگ از فاصله زمانی آزادسازی خرمشهر تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران معنادارتر و قابلیت توضیح دهندگی بیشتری دارد. این به معنی پرداختن به هر دوره زمانی از یک نگاه نزدیک یا دور نیست، بلکه با طرح هر دوره زمانی مورد، نظر قابلیت توضیح دهندگی آن‌ها را بررسی می‌کنیم. لذا با طرح پرسش‌های مهم در این دو دوره با دو دیدگاه مهم به بررسی رویدادهای مهم سیاسی جنگ می‌رویم.

بر این اساس در اینجا معمولا این پرسش مطرح می‌شود که آیا وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر بود؟ [۲۱] هاشمی رفسنجانی در این زمینه معتقد است که «ما ترورها و انفجارهایی روزانه و کودتا داشتیم. کودتای نوژه چند هفته قبل از آغاز جنگ اتفاق افتاد و در کل تصور این امر که ایران این همه بر خود مسلط باشد که به این زودی عراق را تحریک کند، از نظر آشنایان به تاریخ و سیاست محال است، این که بخواهیم در یک کشور همسایه برنامه‌ای پیاده کنیم، محققا انقلاب ما نیز آماده نبود و همه به این امر اذعان دارند. در آن زمان حتی ارتش، نیز آماده نبود و بنابراین ادعای عراق که ما قصد تحریک این کشور را داشتیم، پذیرفتنی نیست. البته ما مواضع انقلاب را اعلام کرده بودیم که در هیچ منطق، مکتب و در هیچ جایی اعلام نظرات یک انقلاب و مکتب به دنیا، نمی‌تواند جرم تلقی شود.» [۲۲] اما واقعیت این است که باورهای انقلاب اسلامی در منطقه‌ای که هنوز نظم وستفالی با هدایت قدرت‌های برتر جهانی کنترل و هدایت می‌شود، آشوب ساز بود.

باورهای انقلابی نه تنها در تغایر با نظم متعارف جهانی بود، بلکه در قالب روال متعارف نبود تا بتوان به طرق موجود حل اختلاف آن را کنترل نمود. بر این اساس، شاید بهترین راه ممکن بلکه تنها راه ممکن در منطقه تصور می‌شد.

ممکن است یک باور عقلانی این باشد که ایران باورهای انقلابی خود را نه به عنوان یک مرجع غیر دولتی بلکه به مثابه یک مرجع رسمی بین‌المللی

[صفحه ۵۰]

اعلام می‌نمود و بر این اساس؛ مرجع رسمی، مسئولیت‌ها و تبعات رفتار خود را باید بپذیرد و یا در صورت وقوع جنگ، با مراجعه به

ساز و کارهای موجود صلاحیت‌دار بین‌المللی، اقدام به خاتمه جنگ نماید؛ امری که خلاف باورهای ایمانی جمهوری اسلامی بود. اما شرایط حاکم بر یک نظام برآمده از انقلاب که روال و ساز و کار کنونی و متعارف بین‌المللی را قبول ندارد؛ به تمایز بین مرجع رسمی و غیر رسمی و مراجعه به ساز و کار موجود غیر ممکن بود. این موضوع بر خلاف باورهای انقلابی معنا می‌شد. مساله در این دوره این است که رویکردهای آرمانی با شور انقلابی توام بود و درک تمایزات بالا تقریبا غیر ممکن بود. نظام جمهوری اسلامی که با موفقیت، یک نظام دیکتاتوری را بر کنار نمود، سرخوش از پیروزی خود، امکان دیگری از این نوع را دور از واقعیت نمی‌دید. بر این اساس، عدم اعلام مواضع انقلابی به معنی پایان و ختم انقلاب بود و اصلا در آن فضای کشور، کسی توان مقابله و ایستادن در مقابل رودخانه و جریان انقلاب را نداشت و به همین دلیل گروه‌های سیاسی مخالف به تدریج از صحنه سیاسی محو شدند. لذا، پرسش از گریزپذیر بودن یا نبودن جنگ، پرسشی متأخر است و در آن زمان امکان‌پذیر نبود. تنها شاید اگر ایران در ابتدای جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی خود، با مشکلاتی مواجه می‌شد، نظام جمهوری اسلامی برای حفظ مشروعیت و بقای خود به بازی با روال متعارف بین‌المللی روی می‌آورد، که آن هم با تهییج دوباره شور انقلابی و نیروهای مردمی موفقیت‌های شگرفی در جبهه‌های رزم برافروخت. آزادسازی خرمشهر و بیرون کردن دشمن اشغالی نه تنها اختلافات درونی و سیاسی را از بین برد، بلکه مشروعیت نظام انقلابی را در حفظ ساخت ملی و دفاع از موقعیت خود به شدت افزایش داد به گونه‌ای که جهان از روحیه و شور انقلابی مبهوت شد و آزادسازی خرمشهر نه تنها یک نماد عقلانی و انقلابی محسوب می‌شد، بلکه مقطع عطف هویت سازی ملتی است که در دو سده اخیر نتوانسته بود در جنگی، مناطق اشغالی خود را باز پس گیرد.

این پیروزی به مثابه پیروزی در جنگی انقلابی بود که از ترکیب گروه‌های منظم و پارتیزان‌های غیررسمی پدید می‌آمد. [۲۳] .

یکی از نظامیان سابق ارتش عراق بر این باور است که رهبری عراق از روح انقلابی مردم که شاه را ساقط کرده و آماده بودند تا به دفاع از انقلاب برخیزند، غافل بوده است. [۲۴] بر اساس تحلیلی که از نگاه نزدیک به مساله داشتیم، پیروزی‌های چشمگیر اولیه ایران آزمون سختی برای یک نظام نوپا در برابر اراده نظام مبتنی بر زور بوده که سرافراز بیرون آمده بود. در عین حال، تجاوز عراق به خاک ایران ایده دفاع را برانگیزاند که مبتنی بر نگاه ملی گرایانه بود. همیاری بس گسترده و کم و بیش داوطلبانه توده مردمی که در حمایت از جنگ به پا می‌خیزند. [۲۵] واقع امر این است که پیروزی‌های اولیه ایران در جنگ نشان داد که علی رغم بی‌ثباتی داخلی در ایران، نظام سیاسی غافلگیر نشد؛ [۲۶] و این به

[صفحه ۵۱]

نوعی تثبیت نظام جمهوری اسلامی در ساخت کشور ایران کمک نمود. اما این وضعیت برای عراق متفاوت بود. صدام در اجلاس چهار روزه کنگره حزب بعث عراق، با پذیرش مسئولیت شکست استعفا داد، تا دوباره با اتفاق آرا به مقام دبیر کلی حزب بعث برگزیده شود. [۲۷] .

اما پیچیده‌ترین وضعیت پیش روی ایران و عراق، پس از فتح خرمشهر پدید آمد. از جانب طرف عراقی، شکست‌های اخیر غیر قابل قبول بود و بی‌کفایتی رژیم حاکم بر آن کشور را به تصویر می‌کشید که حتی در شرایط انقلابی نیز توان شکست ایران را نداشت. در آن شرایط نیز عراق به دنبال به رسمیت شناختن حقوق ارضی خود، عدم مداخله در امور داخلی عراق و در نهایت حسن همجواری توسط ایران بود. [۲۸] اما در طرف ایران، پذیرش اقدام نظامی و زور، اگر چه در تقابل با رویکردهای ایمانی نظام جمهوری اسلامی بود؛ اما دفاع مشروع تلقی می‌شد و قابل توجیه بود.

گام نهادن به خاک عراق، تغییر وضعیت تجاوز به خاک کشور همسایه محسوب شده و برای طرف‌های مقابل ایران توجیه و

مشروعیت لازم برای فشار بر ایران فراهم کرد و باورهای فراملی ایران با ادامه جنگ، زمینه نقد رفتارهای خارجی ایران را فراهم ساخت. صدام در این زمان پیشنهاد مذاکره را مطرح ساخت تا از این طریق بدون تداوم وضعیت جنگی به اهداف خود دست یابد. به نظر می‌آید که تاکتیک مذاکره صدام این بود که با تصرف قسمتی از مناطق مورد نظر، ضمن ادعای صلح، اراده خود را بر ایران در مورد عدم حمایت از شیعیان تحمیل کند. [۲۹] این شرایط برای ایران، نه تنها قبل از حملات نظامی عراق قابل قبول نبودبلکه، با توجه به شرایط پیروزمندانه ایران به هیچ وجه پذیرفتنی نبود و ضرورتی نداشت که ایران در شرایط برتر، به شرایط خفت باری تن بدهد که لزومی برای جنگیدن آن نیز نبود. اگر فشار لازم و کافی به ایران وارد می‌شد تا از سقوط رژیم بعث در عراق حمایت نکند و از حمله به عراق نیز باز داشته شود، فرض لازم بر عملی بودند این استراتژی آن است که ایران نمی‌خواست به این جنگ وارد شود یا نمی‌توانست از عهده درگیری در چنین جنگی برآید [۳۰] .

دلایل ایران برای تداوم جنگ نیز نشان از این وضعیت دارد؛ خنثی کردن توطئه امریکا در منطقه برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از سرکوب مبارزات مردم فلسطین؛ تداوم شکست‌های صدام و تنبیه متجاوزان و ایجاد بازدارندگی برای جلوگیری از تجاوزهای بعدی به کشور، نجات شهرهای مرزی همچون خرمشهر و آبادان از دید و تیر ارتش عراق؛ مجبور کردن دنیا به پذیرش خواسته‌های به حق جمهوری اسلامی ایران که حداقل آن تنبیه متجاوزان و جلوگیری از پذیرش وضعیت نه جنگ و نه صلح، برای ادامه فعالیت‌های عادی کشور بود. [۳۱] این دلایل ایران نیز، برای طرف عراقی و محیط منطقه‌ای و جهانی قابل قبول نبود. اصلا جنگ برای این است تا ایران ادعاهای فراملی نداشته باشد.

در ابتدای این مقطع زمانی، نقطه نظرات متفاوتی در نظام تصمیم‌گیری ایران مطرح بود؛ گویا بخشی از بدنه سیاسی و نظامی، خواستار پایان جنگ بودند و بخشی دیگر از بدنه سیاسی و نظامی به دنبال تداوم جنگ بودند. استدلال گروه اول، بحث متجاوز شمرده شدند و اتحاد کشورهای منطقه علیه ایران و عدم پذیرش تجاوز توسط ملت عراق و تحکیم موقعیت صدام بود. از سوی دیگر، بسیج این میزان نیرو و شعله‌ور شدن شور انقلابی در جامعه و کسب موفقیت‌های باور نکردنی در این شرایط، در کنار عدم اعتماد به مراجع و نهادهای بین‌المللی (که در عین حال راه‌حل قابل قبولی هم از هیچ مرجع صلاحیت‌داری نظیر شورای امنیت جز توقف جنگ پیشنهاد نشده بود)، پذیرش صلح و آتش‌بس را امری قابل قبول نمود و دولت مردان جمهوری اسلامی اعتمادی به عراق برای سوء استفاده از این شرایط نداشتند [۳۲] .

[صفحه ۵۲]

از سوی دیگر، فضای پیروزی‌های ایران در جنگ، شور انقلابی عدیده‌ای را وارد جامعه ساخت: هر کس که در مصاف با یزید زمان (صدام) به یاری حسین زمان (امام خمینی) بشتابد، تجربه یاران امام حسین (ع) را تکرار کرده است و به سعادت و آرامش ابدی می‌رسد، هر آن کس که خمینی (ره) را یاری کند، حسین (ع) را یاری کرده است؛ امام خمینی در حکم حسین زمان است و پیروان خمینی با روشن‌بینی و بینایی کامل به سوی الله روان هستند. [۳۳] به عبارت دیگر، اعتبار رهبران و چهارچوب ایدئولوژیک حاکم نیز تا حد زیادی به تحولات جبهه‌های جنگ بستگی داشت [۳۴] بر این اساس، برای اولین بار حسین زمان برای تمام یزیدیان جهان پیروز شده بود و شیعیان ایران توانستند از این خاطره تاریخی ناخوشایند، طرح دیگر و پیروزمندانه‌ای ارایه دهند که پیروزی آن‌ها را یکبار علیه یزیدیان پهلوی و دیگر بار علیه یزیدیان صدامی تداوم بخشید. این شرایط به هیچ وجه تناسبی با صلح امام حسن (ع) نداشت و حسین زمان، شرایط دیگری آفریده که سازش به هیچ روی روا نیست.

این موضوع جدا از بحث سیاسی، از نظر نظامی نیز قابل توجیه بود: همان طوری که حمله مستلزم دفاع است، دفاع نیز حمله را

ایجاب می‌کند. از آنجا که حمله کلیتی متجانس نیست، بلکه پیوسته با دفاع در هم می‌آمیزد؛ ایده دفاع ما را به گفتمانی درباره حمله رهنمون می‌سازد [۳۵].

در کنار این مسئله راهبرد دستیابی به یک مکان در خاک عراق، می‌توانست تضمینی برای پذیرش صلح توسط صدام باشد و از این طریق به نوعی عقب‌نشینی صدام در خاک خود، شاید زمینه‌ساز سقوط وی یا حداقل نامشروع ساختن وی را که هدف اولیه اعلامی جمهوری اسلامی و حضرت امام خمینی (ره) بود، تحقق می‌یافت. در این شرایط اگر چه جنگ را صدام شروع نمود، اما پایان و نحوه آتش‌بس را ایران می‌توانست تعیین نماید و با توجه به حملات گسترده لفظی ایران علیه کشورهای منطقه و جهان، پذیرش روال ایران نه تنها پذیرش اراده نظام انقلابی ناهمخوان با روابط بین‌المللی بود، در عین حال مشروعیت این نظام را در داخل به شدت افزایش می‌داد. مضافا این که اگر در شرایط بروز یا خاتمه جنگ، نیروهای سیاسی نقش مهمی می‌توانند داشته باشند، در جریان و تداوم جنگ، نقش نیروهای نظامی تأثیرگذارتر است. بر همین اساس، طرح عملیات رمضان در همان جلسه تصمیم‌گیری در مورد پذیرش آتش‌بس یا تداوم جنگ به تصویب امام خمینی (ره) و مقامات لشکری و کشوری نظام رسید.

نگاه از دور به جنگ

نگاه دور به جنگ از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۰ تا پایان جنگ از جانب دو طرف ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷ را شامل می‌شود. این دوره به سه بخش تقسیم می‌شود، از عملیات رمضان تا عملیات بدر؛ ایران و عراق پیشرفت قابل توجهی در جنگ نداشته‌اند. این مساله به ویژه ایران را در شرایط سختی قرار داد. در این شرایط جنگ از حالت تهاجمی به حالت فرسایشی یا وضعیت بحرانی تبدیل شد. وضعیت فرسایشی یا بحرانی، وضعیتی است که هر دو طرف توان شکست جدی همدیگر را ندارند و در حالت سکون و توازن به سر می‌برند. [۳۶] در این شرایط، ارتش عراق به واسطه جبران شکست‌های خود و دفاع از مرزهای خود روحیه متفاوتی پیدا نمود و توان مقاومت بالایی پیدا نمود و در عین حال، نیروهای سپاه و ارتش توان تأثیرگذاری جدی بر جنگ را نداشتند. این دوره تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت. در این دوره استراتژی جنگی ایران از جنگ، جنگ تا پیروزی، به جنگ جنگ تا یک پیروزی تغییر یافت. این دوره از بهمن سال ۱۳۶۴ تا فروردین ماه ۱۳۶۶ را با توجه به اوضاع داخلی ایران، بهبود شرایط فرماندهی در ارتش، تقویت و گسترش

[صفحه ۵۳]

سپاه و اقدام نظامی نامتقارن در عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو، عملیات کربلای ۵ و فتح شلمچه را شامل می‌شود که بخش مهمی از خاک عراق در جنوب شرقی به تصرف ایران درآمد و در عین حال در طی حدود ۱۴ ماه در تصرف ایران باقی ماند. در این دوران با تغییر وضعیت عراق و پیروزی‌های چشمگیر ایران، قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا و کشورهای منطقه به این نتیجه رسیدند که باید به کمک عراق بیایند و اوضاع را برای تحمیل آتش‌بس و صلح به ایران فراهم سازند. در همین دوران، هاشمی رفسنجانی بعد از فتح فاو در نماز جمعه تهران تاکید کرد: «وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه‌ای نشان می‌دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم.» [۳۷].

در عین حال، ارتباطاتی که از قبل از فتح فاو توسط آمریکاییان و ایران برای تأمین نظر ایران و خاتمه جنگ و آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان انجام شد، به جریان مک فارلین معروف شد که در ۴ خرداد ۱۳۶۵ (۲۵ مه ۱۹۸۶) با سفر مک فارلین به ایران و انجام چند دور مذاکره، در نهایت در آبان ماه ۱۳۶۵ افشا شد. این امر در فضای انقلابی ایران، قابل قبول نبود، اما

در عین حال از این زمان تا پایان جنگ در مرداد ماه ۱۳۶۷، جریان جنگ علیه ایران تغییر یافت. در این جریان آمریکا به این نتیجه رسید که باید ماشین جنگی ایران را متوقف کند. به تدریج با ورود رسمی کشورهای آلمان و فرانسه در دادن سلاح‌های شیمیایی و هواپیماهای مدرن و موشک‌های پیشرفته و ورود آمریکا با دادن اطلاعات نظامی، کمک‌های نظامی و اقتصادی، اوضاع در جبهه‌های جنگ و فراتر از جبهه‌ها تغییر داد. در این رابطه، هاشمی رفسنجانی معتقد است: «عبور از فاو دنیا را مطمئن کرد که ایران می‌تواند به هدف جنگ جنگ تا یک پیروزی سرنوشت‌ساز برسد. اینجا است که آمریکاییان تصمیم می‌گیرند، وارد عمل شوند که وارد شدند. قطعنامه ۵۹۸ در این شرایط نوشته می‌شود. در سال ۱۳۶۶ دقیقا یک سال پیش از این که ایران آن را بپذیرد، یعنی در اواخر تیر ماه ۱۳۶۶ تصویب می‌شود. این موقعی است که دنیا تصمیم می‌گیرد نگذارند ایران در جنگ پیروز شود.» [۳۸] این نظر تقریبا اجماع بین‌المللی و نقطه اشتراک قدرت‌های بزرگ بود. «امریکا نمی‌خواست جنگ گسترش پیدا کند، بلکه می‌خواست جنگ از طریق مذاکره و بدون هیچ پیروزی به پایان برسد.» [۳۹].

در جبهه‌های جنگ، عراق با برتری هوایی و حمله به نفت‌کش‌های ایران سعی نمود تا فشار فزاینده ایران را در زمین به نفع خود تغییر دهد و توان موشکی این کشور زمینه‌ساز حملات موشکی به شهرهای ایران و ایجاد وحشت در میان توده مردم کشور ما شد. [۴۰] در عین حال، چراغ سبز غرب در استفاده عراق از سلاح‌های نامتعارف در حلبچه و بعدا سردشت ایران یک فاجعه انسانی را در پی داشت تا اراده جنگیدن ایران را از بین ببرد.

تجربه عراق در به کارگیری سلاح‌های شیمیایی طی جنگ با ایران تاکیدی بر این عقیده مقامات ارشد آن کشور بود که اقدامات تجاوزکارانه عراق در منطقه تا زمانی قابل

[صفحه ۵۴]

تحمل خواهد بود که منافع آمریکا با کشورهای غربی را به طور مستقیم تهدید نکند. [۴۱] زدن تأسیسات نفتی ایران در سال ۱۳۶۵ وضعیت اقتصادی را به شرایط ناگواری رساند. عدنان مزارعی در بررسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب می‌نویسد: «کاهش عمومی قیمت‌های نفت و خسارت وارده بر ظرفیت صدور نفت به سبب جنگ با عراق به افت قابل توجه درآمدهای نفتی انجامید. روشن است که به رغم افزایش درآمدهای نفتی بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس و افت شتابان قیمت‌های نفت از سال ۱۳۶۵ به سرعت درآمدهای نفتی ایران را کاهش داد. در سال ۱۳۶۶ درآمدهای نفتی حدود ۴۰ درصد سال ۱۳۵۶ بود.» [۴۲] در این شرایط، وضعیت تهاجمی عراق بیشتر شد: «صدام بیش از پیش از نیروی هوایی بهره گرفت و صحنه جنگ را گسترش داد و به جنگ نفت‌کش‌ها را آغاز کرد و با بهره‌گیری از توان هوایی خود تأسیسات اقتصادی و تولید نفت ایران را هدف حمله قرار داد و بدین ترتیب، صادرات نفت ایران از ۱ / ۶ میلیون بشکه در روز به ۶۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت.» [۴۳].

تمام این عوامل باعث شد تا اوضاع ایران تغییر نماید. حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران توسط ناو وینسنس آمریکایی، نشانگر خطر حمله جدی‌تر از سوی عراق و آمریکا بود و پیامی به ایران برای پایان جنگ. هاشمی رفسنجانی در این زمینه معتقد است: «سومین عامل، چراغ سبز غرب و شرق به عراق بود که هر کار خلاف مقررات بین‌المللی را علیه ایران انجام دهد. عراق هم از این چراغ سبز، شرورانه استفاده کرد و حملات وقیحانه‌ای به شهرهای ما داشت و با برخی شرایط موجود، عراقی‌ها توانستند دو سه عملیات موفق علیه ما در فاو و جزیره مجنون داشته باشند... عراق می‌توانست کاری شبیه حلبچه را در تهران انجام دهد. اگر در تهران نمی‌توانست در شهرهایی مثل کرمانشاه و تبریز و.... می‌توانست. در مورد شایعه سلاح اتمی ما به این نتیجه رسیده بودیم که آمریکاییان تصمیم گرفته‌اند نگذارند ما پیروز شویم برای آن‌ها مهم نبود به چه قیمتی به اهداف خود برسند. پیروزی ایران برای

آن‌ها مانند سم، کشنده بود. این هم یکی از دلایل مهمی است که ما را به پذیرش قطعنامه رساند.» [۴۴] .

در مجموع، نگـاه دور به جنـگ در فاصـله زمـانی مورد بحث، واقعیت‌هـای اصـلی جنـگ را بر ما نمایان ساخت زیرا علی رغم تمام اسـتدلال‌هایی که منجر به تداوم جنگ شد، گزینه تداوم آن به تحقق باورهای خیرخواهانه انقلاب اسلامی نیانجامید. هر چند درک این امر در شـرایط پس از فتـح خرمشـهر مقـدور نبود، این نگاه این دسـتاورد را دارد که جنگ به ما آموخت که انتخاب گزینه پاس داشت باورها لزوما به پیروزی نخواهـد انجامیـد زیرا «جنگ دفاعی، نوعی انتظار، نوعی مقاومت و حفاظت است، اما جنگ تهاجمی ممکن است تجاوز معنا شود.» [۴۵] این امر پذیرش باورهای اصیل را از طریق اجبار به غایت مشکل می‌سازد.

فضای جنگ پس از فتح خرمشهر، به نمونه مشخص یک جنگ فرسایشی تبدیل شد. به تعبیر کلاوزویتس «شرکت در مخاصمه‌ای که احتمال پیروزی طرفین در آن

[صفحه ۵۵]

یکسان است. بـداهتی خطرناک است.» [۴۶] هـدف جنگ ایران و عراق تغییر رژیم و نظام سیاسـی دو کشور بود. اما با کاهش توان دولت و گسترش جنـگ به شـهرها، تـاثیرات جنـگ فرسایشـی به شـدت مخرب بود. «زمانی که سـلاح‌ها به پایان می‌رسـد و روحیه فرسوده است، زمـانی که توان شـما صـرف شـده است و منـابع مصـرف شـده است، حتی اگر شـما ژنرال خردمنـدی باشـید، قادر به دستیابی به نتایـج خوب نخواهید بود.» [۴۷] امـا بـاز بـا این که ایران و عراق پس از عملیـات رمضـان و حتی تا عملیات خیبر دریافته بودنـد که امکان دستیابی به اهـداف سیاسـی برای دو نظام مقـدور نیست و حتی پس از فتـح فاو که بر اساس راهبرد جنگ جنگ تا یک پیروزی طراحی شده بود، ماهیت سیاسی جنگ بر ماهیت نظامی اولویت نیافت. به واقع، با فرسایشی شدن جنگ، جنگ از بستر اصلی خود که پیروزی بر دشمن است، فاصله می‌گیرد. در این شرایط جنگ جنبه سیاسی‌تری به خود می‌گیرد. [۴۸] اما همانطور که هاشـمی و رفسنجانی - فرماندهی عالی جنگ - اذعان دارد، دیپلماسی ما در جنگ، به ویژه در دوره دوم ضعیف بوده و اگر دشمن تراشـی نمی‌کردیم. [۴۹] و از مراجع صـلاحیت‌دار بین‌المللی اسـتفاده می‌شـد و یـا در جریـان مـک فـارلین بهره‌برداری منـاسب‌تری می‌بردیم، شاید در خاتمه جنگ تاثیر بسیار مهم‌تری می‌توانست داشته باشد و اگر عراق به کویت حمله نمی‌کرد، شاید حل اختلاف قرارداد ۱۹۷۵ به این سادگی حل نمی‌شد.

به عبارت دیگر، هر چند در بحث نگاه نزدیک نشان دادیم که امکان توقف جنگ در آن شـرایط مقدور نبود، تحولات صـحنه رزم پس از این تاریـخ می‌توانست درس مهمی باشـد که در شـرایط مناسب بایـد جنگ را خاتمه داد زیرا نه تنها جنگ با رویکردهای ما تناسب نـدارد، بلکه امکان تحقق اهـداف سیاسـی از طریق آن مقدور نیست. در این موقعیت، ابزارهای سیاسـی باید بیشتر به خدمت جنگ درآیـد. اما این اسـتدلال هر چنـد در مورد نحوه خاتمه جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ عقلانی به نظر می‌رسـد، در مورد تداوم جنگ چندان ملموس به نظر نمی‌رسد زیرا «تمییز غایت جنگ از انگیزه آن غالبا دشوار است.» [۵۰] .

در عین حـال، درک نسبت توان و باورهـا به بهترین و واقعی‌ترین وجه در جنـگ مقـدور است. جنـگ نشان داد که ایران، کشوری منطقه‌ای است و این توان، علی رغم تمام حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از عراق - نشانه قدرت برتر منطقه‌ای آن است.

عملیات‌هـای موفق خیبر، بـدر، والفجر و کربلای ۵ نشانه‌هـای روشن آن است. امـا این جنـگ ضـمن نشان دادن توان برتری ایران به واسـطه باورهـای ایمـانی‌اش، نبایـد در راسـتای تغییر و تحول فزاینـده منطقه‌ای و جهانی بـدون در نظر گرفتن واقعیت توان و ظرفیت اقتصـادی و امکانات نظامی تحلیل شود و انجام این کار، نشانه عـدم درک مناسب موقعیت است و همین نکته ارزشـمند اگر بیش از حد صرف شود، ممکن است نتیجه عکس داشته باشد. اتفاقات پس از فتح فاو، فشار فزاینده‌ای را بر نظام سیاسی ما فراهم ساخت. به

عبارت دیگر «اگر سیاست قدرتمند باشد، جنگ نیز قدرتمند است.» [۵۱] .
همچنین در نگاه دوم به جنگ، بـدون این که نگاه باوری و ایمانی خواسـتار گزینش جنگ باشـد، به عنوان مبنای رفتار انتخاب شد. ضمن این که کنـار گذاشـتن جنـگ، نظـام انقلابی را بـا توجه به مشـکلات دستیـابی به اهـداف آرمانی خود، بی‌تاب و بی‌حوصـله می‌کرد. شور انقلابی در مسیر عادی قابل پیمودن نبود، اما جنگ در عین این که امکان تجلی این شور بود، آن را کانالیزه نمود و بر همین اساس هم بقای نظام سیاسـی ایران را در پی داشت. از سوی دیگر نیز واقعیت‌های جنگ چه در مرحله اول که با پیروزی ایران همراه بود و چه در مرحله دوم، علی رغم حمایت‌های منطقه‌ای و جهانی، نشان داد که تغییر نظام سیاسـی، جمهوری اسـلامی را بیمه نمود. امـا به واقع، جنـگ این تنـاقض جـدی را در درون خود داشت که هم بـاعث بقـای نظام شـد و هم نفس انقلاب را به شـماره انداخت. آیا این بر اساس نگاه نزدیک به جنگ بعد منفی و از نگاه دور،

[صفحه ۵۶]

وجه مثبت می‌یابد؟ در اینجا باید تصریح نمود که نگاه نزدیک به شرایط فهم درونی یک تحول و موقعیت زمان تصمیم‌گیری اشاره دارد. لذا نگاه دور در این بحث از قابلیت بیشتری برخوردار است.
از آنجـا که شـور انقلابـی به مـا برای درک مـوقعیت و توان و چگونگی بهره‌برداری از آن کمـک نمود، نه تنهـا بـاعث بقـای نظـام سیاسـی جمهوری اسـلامی شد؛ بلکه موجودیت آن را تداوم و مشروعیت بخشید. شور انقلابی که باعث شرایط منفی و فشار فزاینده برای نظام شود، دیگر سازنـده نخواهـد بود و این نشان می‌دهـد که این ابزار برای دستیابی به اهداف آرمانی جوابگو نیست و نه تنها راه به پیش نمی‌برد، بلکه نوعی بازگشت و عقب گرد است.
این مساله در مورد نظام سیاسـی عراق نیز صادق است. جنگ نشان داد که تغییر رژیم سیاسـی صـدام از طریق جنگ ممکن نیست و آرمان‌های انقلاب با تغییرات شدیـد و تجدیـد نظر طلبانه در منطقه تحقق نخواهـد یافت. جنگ به نوعی نه تنها موقعیت صدام را که عنصر نـامطلوب بود، در آن کشور تثبیت نمود، بلکه تمام کشورهای منطقه جهان را بسیج نمود تا آن را در قـدرت حفظ کننـد. بر این اسـاس، اگر چه صـدام به برخی از اهـداف ارضـی و مرزی خود نرسـید، امـا توانست از سـاز و کارهـای منطقه‌ای و بین‌المللی به بهترین نحو برای حفظ رژیم سیاسی خود بهره گیرد.

نتیجه گیری

جنـگ ضـمن این که مهمـترین شـکل تحول اجتمـاعی است، [۵۲] واقعی‌تریـن بخش حیـات اجتمـاعی نیز محسـوب می‌شـود که به بی‌واسـطه‌ترین شـکل زشتی‌ها و زیبایی‌های خود را نشان می‌دهد. جنگ، تبلور کمال بشـری در عین استیصال مبنای بشر است. [۵۳] اهمیت جنـگ در این است که به بقـا و نابودی بشـری می‌پردازد و از این حیث به تعبیر تسو نیازمنـد تامل بیشتری است. [۵۴] بر این اسـاس درک و مطـالعه جنـگ ایران و عراق نقـط کـانونی تحولاـت داخلی و خـارجی کشور مـا را تشـکیل می‌دهـد. با این توجه به جنگ، باور ما در این مقاله این بود که جنگ جـدا از وجوده نظامی، دارای ماهیت سیاسـی نیز می‌باشد و در مواقعی ماهیت سیاسـی جنـگ اولویت بیشتری می‌یابـد. جنـگ ایران و عراق از نمونه‌هـای بـارز این امر است. این جنـگ از تنـاقض نمـای جالبی برخوردار است. جنـگ زمانی رخ می‌دهـد که هـدف نابودی طرف مقابل یا دشـمن باشـد، اما جنگ ایران و عراق نه تنها نظام سیاسـی کشور مبـدأ بلکه کشور متخـاصم را نیز حفـظ نموده است. این دو کشور بـا دو رویکرد کاملا متفاوتی وارد جنگ شدنـد - که در واقع دو وجه ماهیت سیاسی جنگ را شامل می‌شود - که این دو رویکرد در مراحل مختلف مورد بررسی ما در جنگ تحمیلی امکان سازش

را نیافت و در نهایت ورود مراجع و قدرت‌های بزرگ جهان، که حافظ وضع موجود بودند شرایط و اوضاع را آرام نمود. اما آنچه در فردای جنگ ایران و عراق اهمیت دارد این است که سرنوشت دو کشور ایران و عراق بسیار گویا است. عراق با منطق نادرستی که بر خود تعریف کرده بود و با حمایت‌هایی که مجامع بین‌المللی از این کشور انجام دادند، اقدامی دیگر را به واسطه سابقه حمایت این مجامع از این کشور علیه کویت به راه انداخت؛ [۵۵] اما نوع رفتار کشوری همانند کویت باعث شد تا جلوی منطق خلاف نظم وستفالی گرفته شود. ما نیز اگر یکسره با نظم مستقر بی‌پروا مخالفت نمی‌کردیم، شاید اوضاع پایان جنگ تحمیلی به گونه دیگری رقم می‌خورد. اما هر چه بود، اقدام عراق علیه کویت و عذرخواهی کشور کویت از حمایت‌هایی که از عراق علیه ایران نمود، بیش از پیش منطق ایمانی جمهوری اسلامی را ثابت می‌نمود. تجربه جنگ به ما نشان می‌دهد که این منطق اتفاقا ممکن است به واسطه جنگ در حاشیه قرار گیرد و جنگ ابزار مناسبی برای این منطق نیست. همانطور که اشاره شد، منطق ایمان در تنافر ذاتی با منطق زور قرار دارد. اما برای گذر از آن مواقعی ضروری است که به بنیان‌های عینی و عملی این منطق نیز توجه نمود. این به معنی پذیرش منطق زور نیست، بلکه قصد بر این است که منطق زور را نمی‌توان نادیده گرفت. منطق ایمان به واسطه تاکید بر انسان، [۵۶] هدفدار بودن، احساس تکلیف، داشتن انگیزه پذیرش شهادت و شجاعت، ایثارگری، صبر و مقاومت، [۵۷] شکست‌ناپذیر است و دیر یا زود حقانیت آن ثابت می‌شود و بر همین اساس نیز امام خمینی (ره) جنگ را نشانه مظلومیت ایران می‌دانستند. اما روند آن را می‌توانیم کند کنیم یا شتاب بخشیم. این کار نیازمند توجه دقیق‌تر به هر دو وجه ماهیت سیاسی رفتار بیرونی و درس گرفتن از گذشته است.

پاورقی

[۱] در مورد مراحل مختلف جنگ تقسیم‌بندی‌های مختلفی از نظر سیاسی، نظامی و بین‌المللی صورت گرفته است که هر کدام در جای خود از ارزش و اهمیت بسیاری برخوردارند. اما از نظر ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق به نظر می‌رسد این چهار موضوع اهمیت داشته باشد.

برای مطالعه دسته‌بندی زمانی جنگ نگاه کنید به: (درودیان، ۱۳۷۹؛ درویشی، ۱۳۷۸؛ درودیان، ۱۳۷۸، مختاری، ۱۳۷۴؛ اردستانی، ۱۳۷۹).

[۲] اصغر افتخاری، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۸۷.

[۳] داود غرایاق زندی؛ جنگ ایران و عراق به هویت، ایدئولوژی و واقعیت؛ نقد و بررسی کتاب ایران و عراق در جنگ، اثر شهرام چوبین و چارلز تریپ، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم شماره ۲(۱۳۸۴)، ص ۲۲.

[۴] Sun Tzu , (۱۹۹۴) The Art of war , Translated by Ralph D . sawyer , New York : Metro book .. ۱۸۰.

[۵] آرشین ادیب مقدم؛ سیاست بین‌المللی در خلیج فارس. تبارشناسی فرهنگی، داود غرایاق زندی، تهران؛ شیرازه (زیر چاپ)، فصل دوم.

[۶] رامین جهانبگلو، کلاوزویتس و نظریه جنگ، تهران؛ هرمس، ۱۳۷۸، ص ۱۰.

[۷] همان، ص ۱۵.

[۸] انوشیروان احتشامی؛ سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی، ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰.

[۹] (دفتر بررسی‌های سیاسی سپاه، ۴۷ : ۱۳۷۶).

[۱۰] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق): بررسی وقایع سیاسی – نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، تهران؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۱۶.

[۱۱] محمد درودیان؛ جنگ بازیابی ثبات: بررسی تحولات سیاسی – نظامی از سال ۱۳۶۱ – ۱۳۵۹، تهران؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۱۹.

[۱۲] حسنی سعدی، گفت‌وگو با امیر حسین سعدی، نگین ایران، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۳ ، ص ۳۲.

[۱۳] محسن رضایی؛ دلایل و اهداف ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، نگین ایران، شماره ۴ ، ۱۸۰ : ۱۳۷۱).

[۱۴] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق): بررسی وقایع سیاسی نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۴۰.

[۱۵] جهانبگلو، همان، ص ۳۴.

[۱۶] حسین اردستانی؛ برخی ارزش‌ها و ثمرات جنگ تحمیلی، در جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، دانشکده فرماندهی و ستاد، معاونت تحقیق و پژوهش، ۱۳۷۳، ص ۱۳۷.

[۱۷] محمد رضا تاجیک؛ سیاست خارجی؛ عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟ تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳، ص ۸۲.

[۱۸] میشل فوکو؛ ایرانی‌ها چه رویارویی در سر دارند؟ حسین معصومی، تهران: هرمس، ۱۳۷۷.

[۱۹] کیومرث اشتریان، سیاستگزار عمومی ایران، تهران؛ میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹.

[۲۰] محمد درودیان؛ علل تداوم جنگ، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳، ص ۴۴.

[۲۱] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق)؛ بررسی وقایع سیاسی. نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۱۴.

[۲۲] همان، ۱۸.

[۲۳] ایونیه اشترود، جنگ، در گزیده مقالات سیاسی. امنیتی، جلد دوم، تهران به بینش، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹.

[۲۴] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق): بررسی وقایع سیاسی. نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۳۴.

[۲۵] جهانبگلو، همان، ص ۴۵.

[۲۶] همان، ص ۴۱.

[۲۷] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق): بررسی وقایع سیاسی. نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۶۲.

[۲۸] محمد درودیان؛ علل تداوم جنگ، ص ۵۵.

[۲۹] کرلاـتورز، وینسنت دیفرونزو؛ افزایش ابزارها در جنگ ایران و عراق: ناسازگاری عناصر استراتژی صدام، پریسا کریمی‌نیا، نگین ایران، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۲، ص ۲.

[۳۰] همان، ۱۳.

[۳۱] محسن رضایی، اصول و مبانی حاکم بر دفاع مقدس، در غلامرضا ذاکر صالحی، (به کوشش) مجموعه مقالات اولین نشست کنفرانس بررسی دفاع مقدس، تهران؛ دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۱، ص ۱۱۱.

[۳۲] علی اکبر هاشمی رفسنجانی، مصاحبه روزنامه کیهان با آیت الله هاشمی رفسنجانی، نگین ایران، سال دوم، شماره هشتم، ۱۳۸۳، ص ۸۸.

[۳۳] عبدالامیر نبوی؛ الگوسازی در دوران جنگ، نگین ایران، شماره ۵، سال دوم ۱۳۸۲، صص ۳۶ – ۳۵.

[۳۴] همان، ص ۱۳۰.

[۳۵] جهانبگلو، همان، ص ۴۹.

[۳۶] همان، ص ۴۲.

[۳۷] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق) بررسی وقایع سیاسی. نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، صص ۱ – ۱۶۰.

[۳۸] هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۹۴.

[۳۹] استفان سی پیتر، جانسون داگلاس وی؛ استراتژی جنگ ایران و عراق و درس‌های برگفته از آن؛ مجید مختاری، نگاه ۱۶ – ۱۵ سال دوم، شهریور و مهر، ۱۳۸۰، ص ۱۷.

[۴۰] مختار حسینی؛ جنگ ایران و عراق؛ بررسی و تاثیر جنگ بر استراتژی دفاعی. نظامی ایران، نگین ایران، سال دوم، شماره هشتم، ۱۳۸۳. ص ۳۱.

[۴۱] جاوید علی؛ کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق، پریسا کریمی نیا، نگین ایران، سال دوم، شماره هشتم، ۱۳۸۳، ص ۶۸ و همچنین برای مطالعه مبسوط در این زمینه نگاه کنید به ادیب مقدم، زیر چاپ، فصل دوم.

[۴۲] محمد درودیان؛ آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق): بررسی وقایع سیاسی. نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، ص ۱۷.

[۴۳] ایونیه اشترود، همان، ص ۱۲۷.

[۴۴] هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۹۹.

[۴۵] جهانبگلو، همان، ص ۲۶.

[۴۶] گاستون بوتول، جامعه شناس جنگ، هوشنگ خجسته، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱ – ۱۲۲.

[۴۷] Tzu، ibid، p۳.

[۴۸] جهانبگلو، همان، صص ۵۵ – ۵۶.

[۴۹] هاشمی رفسنجانی، همان، ص ۹۹.

[۵۰] بوتول، همان، ص ۳۱.

[۵۱] جهانبگلو، همان، ص ۶.

[۵۲] بوتول، همان، صص ۱ – ۲.

[۵۳] علیرضا فرشچی؛ درآمدی بر پدیدارشناسی جنگ‌های آینده، نگین ایران، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

[۵۴] Tzu، ibid، p۱۶۷.

[۵۵] ادیب مقدم، همان، فصل سوم.

[۵۶] صیاد شیرازی؛ سخنرانی اختتامیه (به کوشش) غلامرضا ذاکر صالحی، مجموعه مقالات اولین نشست کنفرانس بررسی دفاع مقدس، تهران؛ دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۱، ص ۷۹.

[۵۷] تولائی؛ بررسی نقش نیروی انسانی در جنگ، (به کوشش) غلامرضا ذاکر صالحی؛ مجموعه مقالات اولین نشست کنفرانس بررسی دفاع مقدس، تهران؛ دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۱، صص ۱۹۸ – ۲۰۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰IR۹ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹